

دروود بر مصدق کبیر و یاران زندانی او

اگر امروز برای از بین بردن استعمار بر خیزید سعادت فردای ایران را ضمانت کرده اید .

♦ ♦ ♦
!!

هموطن بیدار شو!

ارگان ستاد پنهانی
حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم
شنبه ۷ اسفند ماه ۱۳۳۲

نیست که موانعی بوجود خواهد آمد باید همچنان در راه ایران فداکار بود باید از هیچ قوه ای نترسید
بقیه در صفحه دو

هموطن بیدار شو! میهن در خطر است ایران بتو نیازمند است مگر فراموش کرده ای که ایرانی هستی مگر از یاد برده ای که اسلاف تو چگونه برای رهائی ایران از پنجه دشمنان نبرد می کردند؟

در شکنجه گاههای دژ خیمن درباری و زاهدی چه می گذرد؟!

صفوف ضد استعماری ملت آزاده و سر بلند ایران زمین بیکدیگر داده و بالتیجه دلار های امریکائی او باشان و چاقو کشان و عتیبه بوسان درباری سر سپردگان درگاه ملکه انگلستان دست بهم دادند و روز ننگین ۲۸ مرداد را بوجود آوردند .

از روزیکه سیاست شوم و جنایتکار دو امپریالیسم خونخوار انگلیس و آمریکا برای مکیدن آخرین رمق حیاتی ملت ایران هم آهنگ شد قره نوکران و سر سپردگان این دو دولت استعمار گر دست صمیمیت و یگانگی برای در هم شکستن

چرا آرام نشسته ای؟ چرا می گذاری هستی تو را بتاراج ببرند؟ چرا می گذاری کشورت در زیر چکمه بیگانگان لگد کوب گردد؟ چرا می گذاری زحمات چندین ساله تو را یک مشت بیگانه پرست بر باد دهند؟ چرا می گذاری رهبر و پیشوای تو در زنجیر استعمار باشد؟ چرا می گذاری رجاله ها و خائنین با کمک دشمنان ایران عظمت تاریخی کشورت را بر باد بدهند .

از همان لحظه که حکومت بت شکن مصدق قهرمان مبارزه ملل زنجیر شده و زجر دیده شوق سقوط کرد و زاهدی قزاق پایه های حکومت غیر قانونی خود را بر دوش اوباشان و چاقو کشان و روسپی زادگان هر جانی استوار نمود دست انتقام چرچیل از ملت قهرمان ایران از استین زاهدی و دژخیمن درباری بدر آمد و چنگالهای کتیف این ددمنشان و درندگان انسان نما چنان حلقوم حق گو و آزادی طلب ملت را درهم فشرد که تمام صداها ناگهان در سینه ها خفه شد و دیگر کسی جرات اظهار نظری در سیاست مملکت را نداشت ایران پر شور و پر هیجان ایرانی که هادی و راهنمای ملل استعمار زده شده بود بگورستان خموش و تاریک مردگان تبدیل شد :

پاینده ایران

پیش بسوی درهم شکستن نیروی اهریمنی بیگانه پرستی و بیگانه پرستان هموطنان! پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد که بی شک با همگامی سیاست های امپریالیستی بین المللی پدید آمد دولت آبرو باخته و بیگانه خواه زاهدی بدستباری دربار ننگ آلود کوشید که بگونه بهتری مراتب نوکری را در پیشگاه جهان خواران بی آزر انگلیسی و امریکائی نشان دهد .

هموطن بیدار شو مگر نمی بینی چگونه پایه های دیکتاتوری را بنا می کنند؟ امروز که همه ملل دنیا برای طرد استعمار دلیرانه مبارزه می کنند چرا خاموش نشسته ای تا بیگانگان برای میهنت پایه گذاری کنند؟ چگونه این ننگ را قبول می کنی که ملل جهان بگویند و بنویسند بیگانگان آمدند گرفتند ، زدند ، کشتند ، حکومت کردند . آیا ملت ایران دم فرو بست و هیچ نگفت . تازیانه های استعمار بر پیکر شان فرو آمد و ملت ایران بر علیه استعمار شورش و قیامی نمود .

البته ایرانی پر جوش و خروش را بگورستانی تبدیل کردن بدون قربانی نمودن هزاران نفر از جوانان آزاده و سر بلند و بمسلسل بستن دانشجویان دانشگاه

جز این چاره نه پنداشت که ملت قهرمان ایران را بزنجیر کشیده و راه میهن فروشی را هموار گرداند تا بتواند فرمان های اربابانرا بکار بسته و ایشان را از خود خوشنود سازد . ناگزیر داستان انتخابات را که (همه می دانند چگونه برگزار گردید) به پیش کشید و یک مشت رجاله بی آبرو و دزد راهزن را ((به نمایندگی !!!...)) مجلس از صندوقهای انتخاباتی در آورد و با کمال

هموطن بیدار شو مردانه قدم در میدان مبارزه بگنار و این لکه های ننگ را از صفحات تاریخ کشورت پاک کن امروز بخوبی می توان این دیکتاتوری را ساقط کرد بخوبی می توان استعمار را بر کند مگر شما همان ملتی نیستید که در طی سه سال مبارزه مردانه دست انگلستان را از نفت ایران کوتاه کردید و نوکران آنها را رسوا و بیچاره کردید؟ مگر شما همان ملتی نیستید که در قیام دلیرانه ۳۰ تیر نشان دادید زیر بار استعمار بیگانه نمی روید . منتهی در هر انقلابی در هر مبارزه شک

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

مرگ بر دژ خیمن درباری - و زاهدی قزاق

هموطن بیدار شو!

هموطن! آیا از زندان می ترسی، مگر نه این است که رهبران تو و مردان میهن پرست ایران امروز در کنج زندان بسر می برند؟ از مرگ می ترسی مگر نه این است که تا بحال هزاران نفر در راه طرد استعمار جان فدا کرده اند مگر همین یک ماه قبل نبود که جوانان شجاع ما برادران شما در دانشگاه برای مقابله با قدرت بیگانه جان سپردند؟

چشم مردان غیوری که امروز در زندان بسر می برند باعمال ما و شما دوخته شده که آیا قدر فداکاری های آنان را خواهیم دانست یا نه؟ ارواح مردان شجاعی که در نبرد با بیگانگان جان سپردند بانتظار روزی هستند که ببینند ما چگونه جان بازی های آنان را در راه وطن تجلیل می کنیم؟

ایا در ازای اعمال آن مردان رشید و آن ایرانیان پاک نژاد بیگانه را از خود می رانیم یا نه؟ بر شماست که علیه اجنبی و اجنبی پرستان قیام کنید بر شماست که از هیچ نوع فداکاری در راه رسیدن به هدف مقدس و ملی ما دریغ ننمائید. بر شماست ای هموطن که از مرگ و شکنجه و زندان ترسی برای سر بلندی و سر افزایی ایران از همه چیز خودحتی جان نیز بگذری تا آینده بداند ما استعمار را پذیرفتیم کشتیم و کشته شدیم اما ننگ حکومت اجنبی را بر خود قبول نکردیم.

پاینده ایران

پاینده ایران

گستاخی و بی شرمی گامی هم فراتر نهاد و نمایندگان کنسرسیوم بین المللی نفت را بایران آورده تا بتواند راه باز هم بیشتر میهن فروشی را باز گردانیده و از این راه آخرین هستی ملت را به یغما ببرد.

حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم که همه گاه پر چمدار رزم های ملی بود و هست اینک بهمه ملت ایران اعلام می دارد که کارهای دولت غیر قانونی کودتا و چکمه پوشان درباری را بی ارج دانسته و هیچ گونه ارزش قانونی بآنها نمی دهد.

حزب ملت ایران از همه زنان و مردان ایران زمین و از همه سازمانهای ضد امپریالیستی خواستار است که با همه نیروهای خود بکمک حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم شتافته و همگام با ما در راه درهم شکستن قدرتهای ضد ملی بیش از پیش جنگیده و هرگز از پای نشینند تا از این راه بر دشمن ریا کار چیره گردیم.

پاینده ایران

در شکنجه گاههای

و بزنجیر کشیدن آزادگان ایران امکان نداشت و از طرفی وقتی زاهدی قزاق می توانست انتقام چرچیل را از ملت قهرمان ایران بنحو شایسته بگیرد که صدها جوان بیگناه دانشگاه و هزاران مردان از جان گذشته وضد استعمار و ده ها استاد ارجمند و بزرگوار دانشگاه چون دکتر شایگانها - مهندس رضویها - دکتر صدیقی ها - و ده ها وکیل مبارز و سر سخت چون اخگرها - نریمان ها رادر کنج سلولهای زندان در زیر تازیانه دژخیمان اندازد و گروه گروه و دسته دسته از این جوانان نیرومند و دلیر از جوانانیکه جز اعتلای عظمت ایران بزرگ و تجدید مجد دیریه ایران کهتسال و جز خواستن استقلال و آزادی ایران زمین و راندن هر گونه استعمار چه سفید و چه سیاه و چه سرخ گناه دیگری نداشتند بسلاخ خانه های دژ خیمان درباری و زاهدی قزاق رانده شدند و در کنج سلولهای زندان در بدترین شرایط زندگی حیوانی سر کردند.

زاهدی قزاق برای اینکه ثابت کند مجری خوبی است برای انتقام گرفتن از ملت ایران هر شب بدستور او دژخیمان فرزندان برومند ایران را تحت شکنجه و آزار قرار می دهند و شبی نیست که صدای ضجه و ناله این دردمندان و این جوانان بیگناه و مظلوم باسما ن نرسد - برخلاف تمام اصول انسانیت برخلاف تمام دستورات شرع مقدس اسلام برخلاف حقوق اساسی و مدنی بآنها دست بند قیانی می زنند.

با آهنی سرخ شده بدن آنها را داغ می کنند ناخنهای آنها را می کشند ابروهای آنها را می تراشند و ... عملیات درندگی و خونخواری دیگر - این است نمونه کوچکی از رفتار این دژخیمان نسبت بفرزندان استعمار زده ایران زمین مردم تهران شما اگر گذاری پشت زندان های پادگان های جی، قصر، عشرت آباد ... بکنید بخوبی بوی گوشت های سوخته ابدان فرزندان را که در اثر گذاشته شدن آهن سرخ بروی بدنشان ایجاد می کشود استشمام می کنید در دل شب در آن موقعیکه حتی درنده ترین حیوانات دست از آزار و اذیت کشیده اند صدای ضجه و ناله و فریاد زندانیان را بگوش می شنوند که مامورین دژخیمان در بار و زاهدی قزاق با مامورین انتقامجوی چرچیل فرزندان شما را در زیر تازیانه قرار داده اند و این زندانیان بیچاره و بیگناه را در حالیکه

شکاف بین شاه و زاهدی

هر آن عمیق تر میشود

زاهدی در این اواخر بهیچوجه از دستورات و نظریات شاه تمکین نمی کند و همیشه کوشا بوده و هست تا خود مختاری خود را حفظ کند. و در امور مملکت و انتصابات کشوری و لشکری فعال مایشاء باشد و مخصوصا در انتخابات این خود مختاری و عدم توجه به سفارشات شخص شاه را بحدی رسانیده که هر کس از طرف شاه یا دربار به زاهدی برای نمایندگی سفارش و معرفی می شد بطور حتم بعنوان نماینده مجلس انتصاب نمی گردید فشار دربار برای سقوط زاهدی روز افزون شد بنحوی که زاهدی مجبور شد اردشیر پسر کتیف خود را از ایران دور سازد.

تا شاید از خشم و غضب دربار نسبت بخودش بکاهد و از طرف دیگر بخوبی حس می کند بالاخره ملت قهرمان ایران او را در مقابل خواسته ها و احساسات خروشان خود بزانو در خواهد آورد لذا ناچار شد بار سفر خانواده اش را یکی پس از دیگری به بند و ابتدا اردشیر را فرستاد تا از بولهای انتخاباتی زمین و املاکی تهیه کند تا در موقع مناسب فرار نماید.

دست بند قیانی به دست آنها زده اند آنها را داغ می کنند تازیانه می زنند ناخنهای آنها را می کشند تا شاید آنها اقرار کنند.

(ما گناهکار هستیم) و گناه ما مبارزه با ارباب زاهدی قزاق یعنی چرچیل است پس از آن آنها را با حالت بیهوشی با آمبولاس به بهداری آرتش برده و از آنجا یکسره به مسگرآباد می برند این است نمونه از وضع زندانیان بیگناه ملت ایران و فرزندان مردم تهران یکی از دژ خیمان می گفت افسوس می خورم که ابزار و آلات شکنجه و اقرار ما نواقصی دارد اگر ممکن بود تنورهای آتش مامورین گستاخو یا قریانهای نرون امپراطور روم را داشتیم می توانستیم انتقام خودمان را از ملت ایران بگیریم.

البته جبران این نواقص را با شکنجه های شدیدتری خواهیم کرد ولی دژ خیمان درباری و زاهدی قزاق بدانند که نه کشته شدن این جوانان و نه در بند شدن قهرمانان آزادی و استقلال ایران و نه در زندان شدن وکلای مبارز و استادان دانشمند و مبارز دانشگاه و نه

بقیه در شماره آینده

به پیش برای رسوا ساختن توطئه انتخا باتی دربار و دولت